



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۰۱/۰۱/۲۰۲۲

حمید عبیدی

چند نکته در مورد پیرمرد ناکام

دوکتور اشرف غنی سیاستمدار به معنای اخص کلمه نه بود- او نه رهبر کدام حزب سیاسی بود و نه هم حتا عضو کدام حزب . در هیچ کجایی هم نه خوانده ام که او به مبارزه سیاسی- سازمانی پرداخته باشد . دوکتور اشرف غنی «من سیاسی» را داشت، دانش سیاسی اش هم کم از کم از دولتمردان قبلی پایین تر نه بود و اما او فاقد چند مشخصه مهم دیگر برای دولتمدار خوب شدن، بود :

-نه داشتن شم سیاسی

-نه داشتن تجربه سازمانی

-نه داشتن تیم سیاسی

-نه داشتن کاریزما و جاذبه سیاسی

و اما، در میان آن چه که آقای غنی نه داشت، بزرگترین شان، چانس و طالع است- او در زمانی رئیس جمهور شد که امریکا و غرب دیگر نه میتوانستند و یا نه میخواستند مانند گذشته از افغانستان حمایت مالی و نظامی بکنند. در غیر آن در سالیان نخست تحقق «پروژه بن» کسانی که در رأس دولت افغانستان میتوانستند کم از کم درخشش برابر با آقای کرزی داشته باشند، بیشتر از چند تن بودند. و در میان آن چند تن هم اشرف غنی شاید بهترین شان شده میتوانست .

دوکتور اشرف غنی، شاید پژوهشگر خوب باشد. گرچه او دوست داشت تا بیشتر خود را معلم و استاد بخواند، و اما، در این شک دارم که بتوان وی را استاد خوب دانشگاه و حتا معلم خوب مکتب نامید- کم از کم به این دلیل که سخنران خوب نه بود؛ و حتا اگر بالفرض سخنران خوب هم میبود آوازش نه تنها گوشنواز نه بود، بل گوشخراش بود به هر رو در طول ماموریت هایش در ۲۰ سال اخیر، بارز ترین کار او در وزارت مالیه و در عرصه اقتصاد و پروژه های اقتصادی بود. همچنان او زمینه مشارکت وسیع جوانان و زنان را در سطوح مختلف دولتی فراهم ساخت- بیشتر و بارزتر از هر زمان دیگری در گذشته .

بزرگترین ناکامی آقای غنی، تأمین حاکمیت قانون بود. حاکمیت قانون با روند به اصطلاح «عدالت-انتقالی» و پالیسی «رجحان ثبات بر عدالت»، سال ها پیش قربانی شده بود- و به تصمیم خود امریکا قربانی شده بود. روشن است که بدون حاکمیت قانون مبارزه با اژدهای هزار سر فساد نیز نه میتوانست توفیق داشته باشد .

چیزی که به نظر من منصفانه نیست، این است که اشرف غنی را عنصر فاسد خواند و دزدی از خزینه دولت را به وی نسبت داد. میدانم که هزار و یک اتهام بر وی وارد شده اند، و اما در هیچ موردی سند و مدرک معتبری ارایه نه شده است. و تا چنین سند و مدرک محکمه پسند ارایه نه شود، برای من وی بری الذمه است .

منطقی است اگر بپذیریم که هر دولتمداری، آن هم در سن و سال آقای غنی خواهان این باشد تا نامش در تاریخ با خطوط زرین نوشته شود- نه این که زندگی سیاسی اش با ذلت شکست و ناکامی و فرار پایان یابد.

اشرف غنی به حیث رئیس جمهور طبعاً همان طور که در صورت پیروزی جمهوریت میتوانست سردرسته نیکنامان باشد، در سقوط نظام مسؤولیت درجه یک دارد. و اما، عجیب میبود اگر با این مسابقه بی که اعضای «شرکت سهامی بن» و شرکا، نخست برای ممانعت از استقرار حاکمیت قانون و سپس برای دلبری از طالبان و تخریب مشروعیت نظام به راه انداخته بودند، نظام بر طالبان پیروز میشد .

در ۱۵ اگست که همه چیز فروپاشیده بود، غنی علاوه از خروج از کشور دو انتخاب دیگر هم داشت :تسلیم طالبان شود و احتمال اهانت و مرگ اهانت آمیز را بر گردن بگیرد و یا هم همسرش را به بیرون بفرستد یک وصیت نامه ثبت و نشر نماید و سپس خودکشی کند. در مورد علت این که او چرا خودکشی نه کرد من نه میتوانم به یقین سخن

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

بگویم که احکام دینی مانعش شد و یا دوست داشتن جان. در مورد این که چرا تسلیم طالبان نه شد، او خودش توضیح داده است .

در مورد این که نظام اش بیخی فروپاشیده بود به آخرین یادداشت آقای امرالله صالح معاون آقای غنی توجه بفرمایید: «شب شنبه تا صبحگاه یکشنبه تاریخ ۱۵ اگست ۲۰۲۱ من بیدار بودم تا از وضعیت باخبر باشم و بغاوت زندانیان طالب در پلچرخ را مهار نمایم. در آن شب تنها کسی که تا آخر به تلفون هایم پاسخ داد قوماندان امنیه کابل جنرال طوطاخیل بود. من کس دیگر از مقامات امنیتی و دفاعی را پیدا کرده نتوانستم.»

+

یک یادداشت برای بدخواهان

من اگر میخواستم میتوانستم هم در زمان ریاست جمهوری آقای کرزی و هم در دوره ریاست جمهوری آقای غنی صاحب کرسی و مقام شوم. و اما، من به سه دلیل متمایل به آن نه بودم و پیشنهادات به این ارتباط را نه پذیرفتم: نخست به علت وضعیت صحتی- جسمی؛

دوم به خاطر این که سی و چند سال پیش سنگ سیاست و کار در دستگاه دولت را بوسیده و کنار گذاشته بودم؛ سوم به خاطر همکاسه نه شدن با تنظیم سالاران، جنگ سالاران و فسادسالارانی که دولت را به گروگان گرفته بودند و بالاخره نیز آن را از پا انداختند.